

اشاره

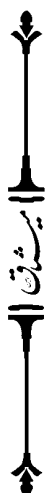
شناخت ادیان و مذاهب، بستگی به شناخت عالمان و آثار هر دین و مذهب دارد. در گوشه و کنار دنیای پهناور اسلامی عالمانی هستند که در گوشه خلوت خویش، با آثار و اعمال خود، خدماتی به اسلام و مسلمانان می‌کنند و هیچ چشمداشتی به جز حضرت حق ندارند. یکی از این عالمان فرهیخته آقای محمد نوری عثمانف است. او همچون نوری در دل سرزمین داغستان که سالها داغ آموزه‌های کمونیست را در پیشانی خود دارد، می‌درخشد و با ترجمه و تفسیر قرآن خدمات ارزنده‌ای در آن دیار غربت قرآن، به قرآن کرده است. در این نوشتار اندکی با زندگی، آثار و افکار او آشنا می‌شویم، باشد که در آینده بتوانیم به وظیفه خود در شناساندن این عالمان بزرگ، عمل کنیم.

ترجمان وحی در داغستان

اصغر صابری*

موضوع اسلام، ایران و زبان فارسی از دیرباز تاکنون در بین اقوام، ملل و مجامع علمی کشورهای مختلف مورد بحث، تحقیق و تتبع قرار گرفته و شخصیت‌های علمی متعددی به این امر پرداخته‌اند و آثار گرانسنگی از خود بر جای نهاده‌اند. کشور روسیه به دلیل روابط خاص سیاسی، فرهنگی، به ویژه در سده گذشته، ایران و مسائل مختلف آن را در کانون توجه خود قرار داده است. این کشور آموزش زبان فارسی را از زمان پترکبیر در اوایل قرن هیجدهم به سال ۱۷۱۶ میلادی با اعزام شماری زبان‌آموز به اصفهان پی‌ریزی کرد تا این افراد با فراگیری زبان فارسی بتوانند به عنوان مترجم در دربار خدمت کنند، و سرانجام با توجه به حساسیت روابط بین روسیه و ایران، از سال ۱۷۳۲ م

* استاد زبان فارسی و دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل در دانشگاه دولتی علوم اسلامی روسیه.



تدریس زبان فارسی در وزارت امور خارجه روسیه به طور جدی آغاز گردید. از سال ۱۸۰۴ در دانشگاههای مسکو، قازان و خاراکف و پس از چند سال، یعنی در سال ۱۸۱۶ در دانشگاه سن پترزبورگ، تدریس زبان فارسی برای روس‌زبانان آغاز شد. اما در قرن بیستم به ویژه پس از انقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷، زبان و ادبیات فارسی در مراکز آموزشی روسیه اهمیت و جایگاه خاصی یافت و زبان فارسی به طور مرتب تدریس شد و مورد تحقیق قرار گرفت. پس از انقلاب اکتبر، در دانشکده خاورشناسی دانشگاه لنینگراد (سن پترزبورگ) به طور رسمی کرسی زبان و ادبیات فارسی ایجاد گردید.

پس از انقلاب اسلامی و به ویژه از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پیدایش رویکردی جدید در روابط سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی در محافل علمی و مجامع دانشگاهی روسیه، زبان فارسی، اسلام‌شناسی، ایران‌شناسی و انقلاب اسلامی، اهمیت مضاعفی یافت، به طوری که امروزه در بیش از بیست دانشگاه و مرکز آکادمیک مسکو، پایتخت و دیگر مناطق و شهرهای مختلف روسیه، تدریس و تحقیق پیرامون موضوعات فوق را در دستور فعالیتهای علمی خود داده‌اند و هر ساله کنفرانسها و نشستهای علمی متعددی را در سطح بین‌المللی برگزار می‌کنند.

البته اسلام‌شناسی از گذشته‌های دور نیز در کشور روسیه به ویژه در مناطق مسلمان‌نشین مانند تاجیکستان، آذربایجان، که قبلاً به عنوان بخشی از اتحاد جماهیر شوروی به شمار می‌رفتند و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱م استقلال یافتند و مناطقی مانند جمهوریهای خودمختار داغستان، تاتارستان و چچنستان که همچنان امروزه به عنوان بخشی از کشور فدراسیون روسیه به شمار می‌روند رواج داشته است. اما با توسعه و گسترش زبان فارسی توجه به اسلام‌شناسی نیز در این کشور فزونی یافته است و علاقه‌مندان فراوانی را در محافل علمی و مجامع دانشگاهی به خود معطوف می‌دارد. از این رو، طی سالیان متمادی گذشته، اسلام‌شناسان بزرگی در این کشور پهنای پدیدار گشته‌اند.

در این نوشتار به منظور معرفی افراد شاخص این دیار در حوزه‌های یاد شده، به عنوان اولین گام به معرفی یکی از این شخصیت‌های برجسته می‌پردازیم. وی هم در زبان فارسی از استادان مسلم و مقتدر به شمار می‌رود و هم به عنوان اسلام‌شناسی سترگ شناخته می‌شود. او مطالعات فراوانی درباره ایران داشته و سفرهای متعددی به ایران کرده و آشنایی نزدیکی در



گذشته با افرادی همچون مرحوم فروزانفر، استاد جلال‌الدین همایی و عبدالحسین زرین‌کوب و امروزه با استادانی همانند مرحوم استاد دکتر جعفر شهیدی، مرحوم آیت‌الله معرفت، آیت‌الله واعظزاده خراسانی، مرحوم علامه محمدتقی جعفری، و شماری دیگر داشته است. این شخصیت پروفیسور محمد نوری، دکترای علوم زبان و ادبیات فارسی، محقق شعبه آثار خطی، پروفیسور بخش شرق‌شناسی و رئیس مرکز آموزش قرآن است.

در ششمین روز از ماه فوریه سال ۱۹۵۴م در روستای ماخاچ قلعه (مخچ قلعه)^۱ یکی از روستاهای جمهوری خودمختار داغستان که بین آذربایجان و چچنستان قرار دارد و در حال حاضر به عنوان مرکز جمهوری خودمختار داغستان به شمار می‌رود، در خانواده‌ای مذهبی و مسلمان نوزادی متولد شد که پدرش او را به احترام و افتخار ژنرال تُرک مِحْمِت نوری پاشا،^۲ مشاور پارتیزانی دارچینسکیها،^۳ که در مقابل مخالفان قزاق سفید قیام کرده بود، محمد نوری نامید. فامیل محمد نوری، عثمانف است، چون اجداد او تا سه نسل از علمای مسلمان منطقه بوده‌اند که به تبلیغ و ترویج احکام اسلامی می‌پرداخته‌اند، و نیز ایشان عمومی عالمی به نام



1. Maxaqkaha

۲. محمد نوری پاشا (Mehmet Nuri - pasha) ژنرال ترک، برادر انور پاشا وزیر نظامی ترکیه و یکی از سه شخصیتی است که هنگام جنگ جهانی اول در سال ۱۹۰۸م علیه عبدالحمید دوم کودتا کرد. وی در زمان جنگ‌های داخلی روسیه مأموریت یافت برای کمک به مردم آذربایجان و داغستان به این دو منطقه که بر ضد دنیکی (Dehknkh)، فرمانده ارتش سفید روسیه در زمان جنگ‌های داخلی روسیه، مبارزه می‌کردند عزیمت نماید. پدر عثمانف که فرمانده پارتیزانهای داغستانی بود به همراه محمد نوری پاشا و لشکریانش طی درگیری در دره آیاکاکا با لشکر ۱۵۰۰ نفری ژنرال یایف (فرمانده ارتش سفید روسیه) او را شکست دادند. بعد از شکست نظامیان دنیکی (ارتش سفید) و بلشویکها (ارتش سرخ) نوری پاشا به ترکیه بازگشت و به کار تجارت و تولید سلاح نظامی مشغول شد.

۳. دارچینسکی‌ها (Daprnhcknn) یکی از طوایف داغستانی هستند که از نظر جمعیت در داغستان دومین جایگاه را دارند و در سال ۱۹۱۹ از پیوستن جوانان خود به ارتش ژنرال دنیکی خودداری نمودند و علیه او شورش کردند و گروه دنیکی را شکست دادند. پارتیزانهای دارچینسکی از اقوام مسلمان بودند که برای آزادسازی بخشی از سرزمین امپراتوری روسیه در قفقاز شامل گرجستان و ارمنستان و به تصرف درآوردن آنها مبارزه می‌کردند.

محمد بن عثمان داشته است که کتاب چهار جلدی القاموس المحيط را از حفظ بوده است. این عالم دینی وقتی برای تشییع جنازه و خاکسپاری افرادی که بر اثر وبا مرده بودند رفته بود، به این بیماری مبتلا شد و در اندک زمانی بعد جان سپرد. پس از آن، شیخ شرف‌الدین کیکونینسکی^۱ فتوا داد که براساس فقه مسلمانان، کسانی که بر اثر طاعون، وبا و دیگر بیماریهای مشابه درگذشته باشند، در کفن و دفن و خاکسپاری در حکم شهید شمرده می‌شوند. به همین دلیل دستور داد بر مزار او آرامگاهی احداث کنند.

پدر محمد نوری عثمانف نیز عثمان نام داشته است که مدرسه مشهور سه امام را در منطقه بیلاقی آسیتنا^۲ به پایان رسانده است. او بخشدار یکی از روستاهای ماخاچ قلعه بوده و در سال ۱۹۱۰ رهبری قیام مردمی را علیه حکومت تزاری بر عهده داشته است. او پس از اینکه تصوف و فلسفه را نزد عالم بزرگ، شیخ سعید کودتلینسکتی^۳ فراگرفت، در زمان ترور استالین در سال ۱۹۳۷ بازداشت شد و در سال ۱۹۴۳ در روستا وفات یافت. بنابراین، با توجه به نام اجداد و پدر محمد نوری، فامیلی عثمانف بیانگر هویت نسلی اوست. وی از ۱۹۴۶، یعنی سه سال پس از مرگ پدرش تا سال ۱۹۹۷ در مسکو سکونت گزید و از سال ۱۹۹۷ تا به امروز در ماخاچ قلعه، یعنی در زادگاه خود ساکن شده است.

عثمانف در سال ۱۹۴۱م دوره تحصیلی مدرسه شماره دوی ماخاچ قلعه را که از بهترین مدارس منطقه بود به پایان رساند و در سال ۱۹۴۱ در روستای ماخاچ قلعه به آموزگاری اشتغال یافت. او سال ۱۹۴۴ وارد بخش زبانهای ایرانی دانشکده ادبیات دانشگاه مسکو گردید و در رشته ایران‌شناسی و زبان فارسی مشغول به تحصیل شد، ولی هنوز بیش از پنج ماه از

۱. شیخ شرف‌الدین کیکونینسکی (Knkyhnhcknn) نقشبندی در روستای آوار تسی داغستان متولد شد، ولی سپس به ترکیه مهاجرت کرد و مزارش در روستایی در ۲۲ کیلومتری شهر نیامو و نزدیک شهر بورساک در ترکیه قرار دارد. او به مخالفت با آتاتورک پرداخت و او را به رسمیت نشناخت.

۲. منطقه‌ای بیلاقی در داغستان.

۳. شیخ سعیدکودتلینسکتی فیلسوف و عالم اسلامی مشهوری است که در آغاز قرن بیستم از دنیا رفت. او در اواخر عمر مبتلا به بیماری وسواس شد، به گونه‌ای که کنار یک رودخانه می‌آمد و تمام ساعات روز را به شستن دستهای خود مشغول می‌شد، ولی باز هم گمان می‌کرد که هنوز دستهای او کثیف است و پاک نشده است.

آغاز تحصیلش نگذشته بود که برای خدمت در ارتش فراخوانده شد و حدود یک سال از عمر خود را تا سال ۱۹۴۵ به خدمت در ارتش گذراند. او با اتمام جنگ مجدداً برای ادامه تحصیل به دانشگاه مسکو مراجعت کرد و در سال ۱۹۵۰ با اخذ دیپلم (لیسانس) با رتبه عالی فارغ‌التحصیل شد. وی ضمن تحصیل زبان فارسی در دانشگاه دولتی مسکو به فراگیری زبان عربی نیز پرداخته است.

او پس از این دوره، در سال ۱۹۵۰ دوره کاندیداتوری علوم را در مؤسسه شرق‌شناسی آغاز کرده و در سال ۱۹۵۴ در مقطع دکتری (PHD) از رساله علمی خود در رشته ایران‌شناسی با موضوع «شاهنامه فردوسی در تاریخ ادبیات ایران» دفاع کرده است. او در سال ۱۹۷۰ از رساله خود در مقطع دکتری علوم با موضوع «شیوه و روش ادبیات فارسی در قرن نهم و دهم» دفاع و در نهایت به سال ۱۹۸۴ درجه استادی را با موضوع «سبک شعر فارسی در سده چهارم هجری» دریافت کرده است.

عثمانف می‌گوید شیرین‌ترین دوره زندگی او زمانی بود که در دوران جوانی، بنا بر توصیه مدیر دانشکده ایران‌شناسی تولستوی، مدیر کل آکادمی علوم روسیه او را برای دوره دکتری پذیرفته است. او از سال ۱۹۵۴ تا سال ۱۹۶۱ به عنوان کارمندی جوان در مؤسسه شرق‌شناسی^۱ مشغول فعالیت می‌شود و پس از آن بین سالهای ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۲ به عنوان کارشناس این مرکز انتخاب می‌شود که در خلال این دوران، یعنی در سال ۱۹۶۹ اولین سفر علمی خود را به ایران انجام می‌دهد. همچنین ترجمه قرآن مجید را به عنوان مهم‌ترین و بزرگ‌ترین اثر خود در سال ۱۹۷۰ آغاز می‌کند. او بین سالهای ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۹ به مدت هفده

۱. انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم فدراسیون روسیه: تاریخ علوم خاورشناسی در روسیه از تأسیس «موزه دستنویسهای کشورهای آسیا» در سنت پترزبورگ (سال ۱۹۱۸) آغاز می‌شود. تا سالهای بعد از جنگ جهانی دوم، این شهر عمده‌ترین مرکز خاورشناسی کشور بود. ولی در اوایل سالهای ۱۹۵۰ طبق دستور رهبری شوروی، برخی از مراکز علمی، از جمله مرکز خاورشناسی، از سنت پترزبورگ به مسکو انتقال داده شدند. از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۱، این انستیتو تحت عنوان «انستیتوی کشورهای آسیا» فعالیت می‌نمود و از سال ۱۹۶۸ تغییر عنوان داده و «انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم اتحاد شوروی» نام گرفت. در حال حاضر، این انستیتو وابسته به آکادمی علوم فدراسیون روسیه است. ایران‌شناسان و متخصصان در رشته‌های علم و محققان در این عرصه‌ها در برخی از شعبه‌های این انستیتو فعالیت می‌کنند.



سال مسئولیت شعبه متن‌شناسی مؤسسه شرق‌شناسی اتحاد جماهیر شوروی را عهده‌دار می‌گردد و در طول این مدت در کنفرانسها و مجامع علمی بی‌شماری در داخل و خارج با عنوان نماینده اتحاد جماهیر شوروی شرکت می‌کند. از جمله می‌توان به کنفرانس بین‌المللی آموزشی بیرونی که در سال ۱۹۷۳ در تهران برگزار گردید اشاره کرد که بر اساس آن دومین سفر ایشان به ایران شکل می‌گیرد.

عثمانف یک دانشمند مذهبی و عرب‌شناس است و به همین خاطر به قرآن توجه ویژه داشته است. او می‌گوید پیشنهاد ترجمه قرآن در زمان اصلاحات گورباچف توسط آقای پریماکف که قبلاً رئیس فرهنگستان علوم شوروی بود و سپس معاون نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه شد، مطرح گردید، چون تا قبل از زمان اصلاحات گورباچف ترجمه قرآن ممنوع بود. «پریماکف به من گفت که از کمیته مرکزی حزب کمونیست اجازه گرفته‌ام که قرآن به زبان روسی ترجمه شود و من هم با کمال میل قبول کردم و کار ترجمه قرآن را از سال ۱۹۷۰ شروع کردم.»

او اولین ترجمه قرآن مجید به زبان روسی را تقریباً پس از ۲۵ سال، در سال ۱۹۹۷ منتشر کرد که تاکنون دو بار آن را ویرایش کرده است و آخرین ویرایش آن در سال ۱۹۹۹ منتشر شده است. این ترجمه تاکنون چندین بار توسط انتشارات انصاریان در قم تجدید چاپ و منتشر شده است. او هم‌اکنون نیز سومین ویرایش آن را به پایان رسانده و امیدوار است که به زودی آن را به دست چاپ بسپارد.

وی قبل از اقدام به ترجمه با آیت‌الله معرفت در ایران و عالم برجسته اهل سنت، استاد دانشگاه الازهر، شیخ محمد حسن الزاز در مصر ملاقات کرد و از توصیه آنها در چگونگی ترجمه قرآن بهره گرفت و بنابه پیشنهاد آیت‌الله معرفت، در ترجمه قرآن مجید از تفاسیر معتبر عربی مثل تفسیر طبری، کشاف زمخشری و قاضی بیضاوی جلالین و قرطبی مراغی و تفسیر طبرسی و به ویژه تفسیر کبیر فخر رازی و ابوالفتح رازی استفاده فراوان کرد. از این رو، اولین ترجمه قرآن به زبان روسی را به صورت آزاد و با توجه به معانی آیات تدوین و منتشر نمود. اومی گوید:

هیچ جایی در ترجمه قرآن نیست که از ترجمه خارجی استفاده شده باشد.
من سه ترجمه انگلیسی و چند ترجمه آلمانی و فارسی را دیدم، اما ترجمه



من فقط براساس تفاسیر ترجمه شده است، برای اینکه خواننده با مفهوم قرآن آشنا شود، چون قرآن متنی الهی و کتابی است خدایی و کتاب خدا چیزی است که مفهومی برای انسان انتها ندارد. صدهزار ترجمه نیز اگر باشد، آن معنا که در ذات خدا و در لوح محفوظ است به عقل انسان نمی‌رسد، اما ما باید قدم به قدم به اصل معانی و مفاهیم قرآنی نزدیک‌تر شویم.

او معتقد است چون سایر ترجمه‌ها تحت‌اللفظی‌اند و از ترجمه‌های دیگر به زبان روسی ترجمه شده‌اند نمی‌توانند معنای اصلی قرآن را برسانند. شاید دلیل ترجمه تحت‌اللفظی این بوده که ترسیده‌اند کلام خدا را اشتباه ترجمه کنند، اما وقتی در اروپا فلسفه ترجمه اوج گرفت و ادبیات تخیلی معنا پیدا کرد، ترجمه‌های معنوی از کتاب قرآن شروع شد. فردی به نام محمد اسد که قبلاً یهودی بوده و بعداً مسلمان شده است، قرآن را از عربی به انگلیسی ترجمه کرده است که تاکنون از بهترین ترجمه‌های قرآن به زبان انگلیسی به شمار می‌رود. عثمانف، نبود یک فرهنگ جامع عربی به روسی را از مشکلات عمده در ترجمه قرآن ذکر می‌کند. با توجه به نیازی که در این زمینه وجود داشت، وی تدوین فرهنگ اصطلاحات قرآنی را شروع کرده است که فقط حرف «الف» آن شامل پانصد صفحه شده است و به گفته او حدود پانزده تا بیست سال طول می‌کشد تا کامل شود.

در یک ارزیابی اجمالی می‌توان گفت: هر یک از این دو سبک ترجمه دارای امتیازات و یا نقاط ضعفی است. ترجمه تحت‌اللفظی از این جهت که بیشتر معانی اصلی آیات رعایت می‌شود و معانی واژه‌های قرآنی کمتر دچار دخل و تصرف می‌شود و سایر مترجمان قرآن نیز بیشتر از این سبک پیروی می‌کنند، شاید بهتر و مناسب‌تر به نظر برسد. ولی در ترجمه آزاد به دلیل آزادی بیشتر در به کارگیری جمله‌بندی و پس و پیش کردن کلمه‌ها و عبارات، مترجم قادر خواهد بود خواننده را بهتر با معانی و مفاهیم آیات قرآن آشنا کند. علاوه بر این، ترجمه قرآن برای ملیتها و جوامعی مثل روسیه که تقریباً با فرهنگ قرآن بیگانه‌اند و حتی برای عموم مسلمانان این دیار، به خاطر سالها محدودیت در فعالیتهای مذهبی و دوری از مفاهیم قرآنی در دوران کمونیستی، باید سلیس و روان باشد تا آنان بتوانند راحت‌تر با مفاهیم قرآنی آشنا شوند. البته ترجمه قرآن به زبان دیگر نمی‌تواند زیبایی و ظرافتهای لفظی و معنوی آن را بازگو نماید. تاکنون به جز ترجمه عثمانف، بیش از شش ترجمه دیگر به دست سایر دانشمندان و



اسلام‌شناسان روسیه تدوین شده است. ترجمه روسی قرآن توسط سابلوکف، گیرگاس، گراچکفسکی، خانم بوروخوا، و عالییم غفور اف از آن جمله‌اند. او به ترجمه‌هایی که اخیراً منتشر شده معترض است و اعتقاد دارد که آنان از ترجمه قرآن کراچکفسکی استفاده کرده‌اند و با کمی دخل و تصرف ترجمه جدیدی به نام خود منتشر کرده‌اند. ایشان می‌گوید: حاضران ادعای خود را در نشست با ادله اثبات کنم. البته در مقابل، مترجمان مورد نقد عثمانف نیز ترجمه عثمانف را دقیق و مطابق نص آیات نمی‌دانند. در مجله هفتگی داغستان به نام نور الاسلام، بحث مفصلی بین عثمانف و خانم بوروخوا^۱ درگرفت و هر کدام بر ترجمه دیگری نقدهایی را وارد کرده‌اند. همچنین مفتی داغستان به ترجمه قرآن اعتراض کرده است، چون او معتقد است که قرآن را نباید به زبان دیگر ترجمه کرد، هر چند بعضی از مفتیان دیگر در روسیه ترجمه عثمانف را تأیید کرده‌اند.

بنابراین، در یک جمع‌بندی کلی می‌توان چنین نتیجه گرفت که هیچ مترجمی در ترجمه قرآن در هر سبک و قالب، چه به صورت تحت‌اللفظی و چه به صورت آزاد، نمی‌تواند ادعا کند که کاری بی‌نقص و تمام عیار را انجام داده است. عثمانف نیز خود به مشکل بودن کار ترجمه قرآن معترف است، و در سال ۱۳۷۵ در مصاحبه با مجله سروش و سپس در مصاحبه با مجله گلستان قرآن گفته است:

من معتقدم ترجمه نهایی قرآن غیر ممکن است، چون در هر ترجمه نقایصی وجود دارد که می‌توان آن نقایص را در ویرایش‌های بعدی اصلاح کرد. اگر من صد ترجمه قرآن داشته باشم، هر یک با دیگری فرق خواهد داشت و صدمی هم آخری نخواهد بود. چرا که قرآن علم ازلی است. من سی سال در کارهای قرآنی تحقیق کرده‌ام، و اگر کسی مؤمن نباشد و در بین مسلمانان نباشد نمی‌تواند قرآن را بفهمد و خوب ترجمه کند.

اما در عین حال، علی‌رغم پیچیدگی و سختی و نقایص احتمالی، ترجمه‌های موجود برای جامعه روسیه و مسلمانان این سرزمین بسیار لازم، مفید و بابرکت است، و برکت آن نه تنها شامل قاریان و خوانندگان می‌شود، بلکه خود مترجمان بیشتر از برکت آن بهره‌مند می‌شوند.

۱. بوروخوا همسری سوری دارد که قرآن را به زبان روسی ترجمه کرده است.

این حقیقتی است که عثمانف بارها به آن اعتراف کرده و معتقد است:

از زمانی که ترجمه قرآن را آغاز کردم، برکت آن در زندگی و تلاشهای علمی من تأثیر بی نظیری از خود به جای گذارده است. وقتی دومین ویرایش قرآن را در سالهای ۱۹۹۹ چاپ کردم، این ترجمه مورد توجه مسئولان شرکت بزرگ نفتی گاز پروم فدراسیون روسیه قرار گرفت که در نتیجه در سال ۲۰۰۲ جایزه‌ای از سوی این شرکت با دستخط رئیس جمهور فدراسیون روسیه به آن اعطا شد. این توفیق عقیده قطعی مرا درباره خدا مستحکم‌تر کرد و این موفقیت برای من نمونه‌ای از تفضلات الهی به شمار می‌رود.

او علاوه بر ترجمه قرآن به زبان روسی، تلاشی در جهت ترجمه قرآن به زبان داغستانی انجام داده است و از هر فرصتی برای تبلیغ و ترویج اسلام در داغستان و استمداد از علما، بزرگان و مسئولان ایران استفاده کرده است، به طوری که در ملاقات خود با عالمان و مسئولان مراکز علمی حوزه علمیه قم درخواست کمک برای اشاعه مبانی دینی در داغستان کرد و خواهان ارتباط بین علمای حوزه علمیه قم و داغستان شد.^۱

عثمانف در سال ۲۰۰۳ نشان شخصیت ممتاز علمی فدراسیون روسیه را با دستخط رئیس جمهور روسیه به دست می‌آورد و به این عنوان و لقب مفتخر می‌شود. عثمانف با داشتن درجه دکتری علوم زبان‌شناسی علمی و اجتماعی و عضویت هیأت علمی آکادمی سلطنتی اسلامی اردن، ریاست شعبه انستیتوی شرق‌شناسی اتحاد جماهیر شوروی، استادی بخش شرق‌شناسی و ریاست بخش ویرایش کتابهای مربوط به اسلام در دانشگاه داغستان، در طول ۸۴ سال زندگی توصیه‌نامه‌ها و پیشنهادهای متعددی درباره ایران‌شناسی، ادبیات‌شناسی، متن‌شناسی و فرهنگ‌شناسی ارائه نموده است و در زمینه ادبیات‌شناسی در مورد تاریخ ادبیات فارسی و نوشتن چهار تک‌نگاری، نوآوری کرده و پدیده‌های جدیدی در شرق‌شناسی در روسیه به وجود آورده است.

او مدت زمان طولانی هدایت و رهبری نویسندگان و دانشجویان رشته شرق‌شناسی و

۱. گزارش سفر علمی دکتر نوری عثمانف، مرکز آموزش و توسعه همکاریهای دانشگاهی سال ۱۳۷۵.

ایران‌شناسی را عهده‌دار بوده و کتابهای بسیاری درباره تاریخ ادبیات فارسی نوشته و به بررسی متون ادبیات فارسی پرداخته است. وی تئوری متن‌شناسی ادبیات شرقی را در روسیه توسعه داده است. عثمانف به آماده‌سازی متنهای انتقادی علمی شاهنامه فردوسی پرداخت و در اولین گام سه جلد از این مجموعه علمی را منتشر کرد و در مرحله دوم جلد چهارم و پنجم را آماده نمود. دو جلد اول را انتشارات «علمی» و بعداً مجموعه نه جلدی آن را انتشارات «سروش» چاپ و منتشر کرد. به قول خود او، تدوین و آماده‌سازی این کار بس سخت و دشوار بوده است.

او می‌گوید:

کار اصلی من ترجمه و تصحیح شاهنامه است که در نه جلد تدوین و چاپ شده است که در ایران به شاهنامه چاپ مسکو معروف است.^۱ وقتی در مسکو بودم نمی‌خواستم عربی بخوانم و فراگیری این زبان فقط برای آشنایی بیشتر با قرآن و ترجمه آن بوده است و حالا هم اگر قرار باشد زبانی را انتخاب کنم، زبان فارسی را بیشتر می‌پسندم، چرا که فارسی، زبان تغزل و شعر است.

در حوزه فرهنگ‌شناسی، او سهم بزرگی در تهیه فرهنگ دو جلدی فارسی به روسی داشت که این لغت‌نامه برای دریافت جایزه دولتی روسیه معرفی گردید. او همچنین لغت‌نامه رباعیات و ابیات عنصری را منتشر کرد که اولین لغت‌نامه در جهان شرق‌شناسی روسیه به شمار می‌رود. وی کتابهایی در مورد فردوسی و عمر خیام و تک‌نگاریهای بسیاری در قالب نثر فارسی تاجیکی قرن چهارم و پنجم نوشته است که به ترتیب نویسندگان تنظیم شده است. به خاطر اهمیت این کار علمی، پس از آن وی برای شرکت در کنفرانسها و سمپوزیومهای بین‌المللی دعوت به عمل آمد و به عنوان مأمور دولتی به رهبری و هدایت بسیاری از سمپوزیومها و کنفرانسهای علمی آسیای نزدیک پذیرفته شد.

او که به عنوان مترجمی متبحر در زبان فارسی و عربی شناخته شده بود، یکی از اصلی‌ترین کارهای زندگی علمی خود را کار متون انتقادی شاهنامه فردوسی و ترجمه قرآن مجید می‌داند. او

۱. مصاحبه با مجله سروش، شماره ۸۲۲، ۶ بهمن ۱۳۷۵.



در سال ۱۹۴۸ به عضویت هیأت تحقیقات اسلامی آکادمی سلطنتی اردن برگزیده شد. او همچنین سندبادنامه، بختیارنامه و کتابی در مورد زنان با ایمان و بی ایمان، داستان مرواریدها و چهل برده را ترجمه کرده و نسخه‌های نایب را جمع‌آوری و آنها را به کتابخانه دولتی داغستان اهدا نموده است. عثمانف مسافرت‌های متعددی به ایران، کشور مورد علاقه‌اش، داشته است که عمده این مسافرت‌ها مربوط به بعد از انقلاب اسلامی است. ولی دیداری که در دی ماه سال ۱۳۷۵ مصادف با ماه مبارک رمضان از ایران داشت، یکی از بهترین و پربارترین سفرهای او به شمار می‌رود. او در این سفر، طی اقامت دو هفته‌ای خود با شماری از شخصیت‌های علمی، فرهنگی ملاقات کرد و از تعدادی مراکز و سازمان‌های علمی - فرهنگی و قرآنی دیدن نمود و درباره گسترش زبان فارسی، ترجمه قرآن مجید به زبان روسی و زبان داغستانی و فعالیت‌های علمی و تبلیغی مذاکرات مفصلی انجام داد. صدا و سیمای جمهوری اسلامی نیز با دعوت از عثمانف یک فیلم یک‌ساعته از شخصیت و فعالیت‌های علمی ایشان تهیه نمود و مصاحبه‌ای نیز با ایشان انجام داد که هر دو از صدا و سیما پخش گردید.^۱

او سرانجام در سال ۱۹۹۷ پس از ۶۳ سال اقامت و فعالیت در مجامع علمی مسکو و خارج از مرزهای شوروی به زادگاه خود داغستان مراجعت می‌کند و همکاری خود را با دانشکده تاریخ دانشگاه داغستان آغاز می‌نماید و از همان زمان به تدریس در رشته‌های زبان و ادبیات فارسی و زبان و ادبیات عربی در دوره‌های تکمیلی برای معلم‌های شرق‌شناسی می‌پردازد و سرپرستی گروه مترجمان قرآن به زبان داغستانی را عهده‌دار می‌شود و به عنوان اسلام‌شناس به فعالیت علمی خود ادامه می‌دهد.^۲

۱. روزنامه کیهان و انتشارات سروش نیز طی مصاحبه‌ای مبسوط درباره ترجمه قرآن کریم به زبان روسی و تألیفات و فعالیت‌های علمی با ایشان گفت‌وگو کردند که مشروح این گفت‌وگوها در همان روزها منتشر گردید. مجله سروش، شماره ۸۲۲، ۶ بهمن ۱۳۷۵.

۲. دانشگاه دولتی داغستان در سال ۱۹۳۲ میلادی با بخش‌های مختلف تأسیس شد. از سال ۱۹۹۵ در کرسی تاریخ، تدریس و آموزش زبان و تاریخ ادبیات فارسی به عنوان زبان اول آغاز گردیده است. عثمانف علاوه بر فعالیت‌های آموزشی و تدریس در مراکز مهم علمی روسیه و بعضاً در دیگر کشورها، در همایش‌های فیض‌الله رشیدالدین، بیرونی، فردوسی، سنایی، زبان و ادب فارسی، ایران، قرآن، شرق‌شناسی،

سیاهه تألیفات و آثار علمی

عثمانف در طول نزدیک به شصت سال شرق‌شناسی (۱۹۵۰ - ۲۰۰۸)، علاوه بر صد مقاله و رساله علمی در موضوعات مختلف، از جمله متن‌شناسی، زبان، ادب فارسی، ترجمه متون دینی اسلامی و قرآن به زبان روسی، مثنوی‌شناسی، زبان و ادبیات تاجیک و رباعیات خیام، کتابهایی نیز تألیف کرده که در ذیل به بعضی از آنها اشاره می‌شود: ۱. ترجمه قرآن مجید در دو ویرایش؛ ۲. رساله «سبک نظم فارسی قرنهای نهم و دهم میلادی»؛ ۳. متن شاهنامه فردوسی در سه جلد؛ ۴. همکاری در تدوین فرهنگ دو جلدی فارسی به روسی؛ ۵. متن انتقادی شاهنامه فردوسی نه جلد، معروف به شاهنامه چاپ مسکو؛ ۶. شیوه و روش فارسی - شعرای تاجیکستان در قرن نهم و دهم؛ ۷. بخش لغوی دیوان عنصری؛ ۸. تصحیح شاهنامه فردوسی معروف به نسخه (یا چاپ) مسکو؛ ۹. لغت‌نامه: تدوین سه لغت‌نامه به صورت مستقل و یا با همکاری دیگر مؤلفان؛ ۱۰. آماده‌سازی کتابها و متنهای علمی انتقادی: هفت جلد کتاب درباره رباعیات خیام و اشعار شاهنامه فردوسی.

هر چند عثمانف اکنون در هشتاد و چهار سالگی روزگار می‌گذراند و تا حدی پیری موجب ضعف جسمی وی گردیده است، اما همچنان دارای روحیه‌ای کوشا و فعال است و طراوت و شادابی و پویایی و تلاشگری را در خود زنده نگه داشته است. او با اندامی نحیف، اما پرتلاش و صدایی لرزان، ولی دلنشین، هنوز افکاری بلند و همتی عالی در فعالیتهای علمی از خود نشان می‌دهد و آرزوهای بزرگی را در نشر علوم و خدمت به قرآن، زبان فارسی و فرهنگ ایرانی در سر می‌پروراند. او معتقد است باید برای انتقال مفاهیم قرآنی به نسل بشری و به ویژه پیروان اسلام تلاش بیشتری کرد و با وجود بحث و بررسی فراوان در مورد تاریخ ادبیات فارسی، باز هم حق مطلب ادا نشده، لذا باید آن را با نگاهی جدید و متناسب با نیاز فرهنگ و مبانی جامعه امروزی کاوش نمود. او هنوز اجرای طرحها و برنامه‌ها و نوشتارهای علمی بزرگی را در سر می‌پروراند و آرزو دارد ترجمه قرآن مجید را با ویرایشهای جدید منتشر کند، فرهنگی فارسی به روسی متناسب با تغییرات به عمل آمده در واژه‌ها و اصطلاحات تدوین کند و علاقه‌مند است توفیق خدمات علمی بیشتری را بیابد.

→ مولوی‌شناسی و چند همایش دیگر در فاصله زمانی ۱۹۶۹ - ۲۰۰۷ در ایران، مسکو، دمشق، عمان، شرکت کرده و گاه مقاله‌های تحقیقی نیز ارائه کرده است.